

سفرنامه فاهیان

۳۹۹ - ۴۱۴ میلادی

هیوان تسنگه زایر معروف چین در سال ۶۲۹ میلادی مزم مسافرت هندوستان کرد تا اماکن بودایی را زیارت کند و متون مذهبی آن بودا را که در کشور خودش از احطال افتاده و در آن تصرفات صورت گرفته بود، گرد بیامورد. وی در طی این سفر دوبار از افغانستان عبور کرد. مدت اقامت او در وطن ما پرايش خبلی دلچسپ بوده، علاقه و محبتی را که با افغانستان پیدا کرده بود از خلال یادداشت‌های او به خوبی میتوان دید. هیوان تسنگه پس از برگشت قاهنگام مرگه لباس مردم گنده عازرا بپوشید و آفرخیلی می پوشید. تسنگه از این سفر بیش از دو سه سال پیش از هیوان تسنگه در حدود ۳۹۹ میلادی مرد دیگری از همان کشور و عیاً بهمان عزم و اراده ای که سپس هیوان تسنگه برای افتاد، از ایالت شانسی ترك وطن گشت. پامیر را راه عبور کرد و کوه‌های هند و کش رابشت بر گذاشت و بهنده وستان رفت و از آنجا به سیلون سفر کرد و بالاخره از راه سوماترا برگشتی نشست و در سال ۴۱۴ م راه چین پیش گرفت.

از فاهیان امروز یادداشت‌های موجزی در دست است که تفاسیل نغز و دلپذیر سفرنامه هلف او را ندارد. ولی گویا کتاب مفصل‌تری نیز او داشته که متأسفانه موجود نیست و ظاهراً از بین رفته اما آنچه از او باقی مانده و مخصوصاً محتویات سفرنامه هیوان تسنگه جویندگان تاریخ افغانستان را بسی سودمند تواند بود. در صفحات آتی صرف آن قسمت از سفرنامه فاهیان را از نظر خوانندگان خود میکند رانیم که بگشودند و در صورتی که با آنکه خلایک از مطالب تاریخی خاک‌های باشد که روزگاری در ساحه نفوذ فرهنگی کشور ما واقع بوده اند. ده‌ها یون،

✽ ✽ فاهیان هنگامی که در چانگی - Chang-an بسر نمی برد در یافته بود که درین شهر اصول مذهبی بودا مستح شده و از اصالت افتاده است. بنابراین در سال دوم دوره هونگ‌شی Hung-Shih یعنی در سال ۳۹۹ میلادی، با هونگ‌چینگ، تاج چینگ هوی یینگ هوی وی و تعدادی دیگر پیمان سفر هندوستان و کسب دستورها و حقیقی بودا، را بست.

اقتباس از Fa/hsien Reccors of th Buddhistic Kingdoms

از چانگ-ان آغاز مسافرت کرده، پس از عبور از علاقه لونگ (قسمتی از ایالات شنسی و کانسو)، داخل قلمرو (چین های غربی)، که درین وقت تحت حکمفرمایی Nh'ien kuei بود، گردید. درین شهر ایام عبادات تابستانی را گذراند. چون سال با آخر رسید بکشور لیانگهای جنوبی که پادشاه آن تاو-تان نامیده می شد، رسید. پس از عبور از کوههای (یانگ لو) به شهر تجارتهی چانگ ییه در ایالت کانسو داخل شد. درین ایام در چانگ ییه هرج و مرج سیاسی حکمفرما بود و مسافرین به مشکلات زیادی مواجه میشدند، بنابراین پادشاه این شهر شخصاً از ایشان مواظبت نمود و حتی ادامه حرکت را تا مدتی معطل کرد. همین جا بود که این مسافر چینی با همراهان خود با چیه-ین-هوی چین-سینگ شاو-پاو-یون - سینگ چینگ و دیگران برخورد و چون دانست که مقصد ایشان از سفر عین آرزوی اوست خیلی مسرور گردید، اینجا به عبادت تابستانی پرداختند. پس از پایان سال سفر را ادامه داده به شهر تون هوانگ (شهری در انجام دیوار کبیر چین) رسیدند. درین جا سرحدات را بواسطه استحکامات نظامی که شما لا جنوباً چهل لی و شرقاً غرباً هشتاد لی را در بر میگیرد محافظت می کنند. درین جا قریباً يك ماه اقامت داشتند. بعد از آن فاهیان همراه چار نفر از رفقای خود بسفر ادامه دادند و از پاو-یون و دیگران جدا شدند.

حکمران تون هوانگ (لی هاو) نام داشت. وی همه وسایل عبور از صحرای گوبی را در دسترس شان گذاشت. در صحرای گوبی بادهای سوزان و سموم میوزد ارواح خبیثه در آن فراوان هست. در زمینش چرنده و در آسمانش پرنده دیده نمی شود. راه را فقط برهنمایی استخوانهای مردگان که درین مغازه جان سپرده اند میتوان تشخیص کرد، پس از هفده روز سفر وطنی یک هزار و پنجاه لی شهر شان شان (جنوب لوپ نور) رسیدند. زمین درین جا بسیار ناهموار و خشک و بایر است لباس مردم درشت و عیناً مانند لباس عوام چین است. پادشاه ملك بودایی بود. چار هزار یانگ کی بیشتر رهبانان بودایی، مربوط بپرخ کوچك نجات دران جا

بودند. عوام این کشورها و همچنین شمن ها، همه همان دینی را قبول دارند که با تفاوت های اندک در هندوستان رایج است. ازین جا هر قدر بطرف غرب سفر کنیم مردم تفاوت با رزی ازین لحاظ باهم ندارند، جز آنکه لهجات تاتاری محلی از محل دیگر متفاوت می شود. بعلاوه تارکان دنیا کتب هندی را می خوانند و بزبان آن صحبت مینمایند. زایرین پس از پا نژده روز اقامت. سفر خود را بسوی شمال غرب ادامه داده بالاخره بقره شهر رسیدند. در حدود چار هزار نفر راهب پیرو چرخ کوچک نجات درین شهر هستند و بسیار متعصب اند و شمن های چینی وقتیکه درین شهر می آیند مراسم مذهبی را نمی توانند درست در برابر راهبان این شهر ادا کنند. فاهیان پس از دو ماه اقامت درین جا، مجدداً باپاو-یون و دیگران، همراه شد. و این مسافرین چینی درین شهر باین نتیجه رسیدند که اهالی قره-شهر مردم مذهبی نیستند و به اجانب سخت میگیرند و احترام و حقوق همسایگان را بجانمی آرند. بنابراین چیه-ین - هوی چین-هوی به تورفان برگشتند تا موشه سفر را فراهم سازند، اما فاهیان و همراهان او، چون از فو کونگ-سون معاونت یافتند، سفر را بجناب جنوب غرب ادامه دادند. راهها غیر مسکون بود، بعلاوه عبور از رودخانه های بزرگ که بار سفر را بسیار مشکل ساخت تا آنکه پس از زحمات طاقت فرساوسی و پنج روز سفر به شهر ختن موصلت کردند.

ختن شهر زیباست. مردم در رفاه بسر میبرند، دین دارو دوستدار موسیقی اند و بیشتر پیرو چرخ بزرگ نجات اند. خودا که شان از يك ذخیره بزرگ عمومی توزیع می شود. با اینهم مردم پراکنده زندگی میکنند، ازین لحاظ در پهلوی هر خانه استوپه ای هست. کوچکترین این استوپه ها به ارتفاع بیست فت میباشد. مردم مهمانان و مسافرین را در این استوپه های پذیرند. حکمران شهر فاهیان را در صومعه ای که گوماتی نامیده میشد پذیرایی کرد، به اشاره نایی سه هزار روحانی بودایی برای صرف غذا جمع شدند. این مردم آداب و مراسم خاصی دارند: منظم می نشینند و در هنگام غذا خوردن خاموش می باشند

آوازی از ظروف غذا شنیده نمی شود. درین مدت کسی را به آواز صدا نمیکنند بلکه از اشاره کار میگیرند. حتی خدمه را هم به اشاره انگشت فرامیخوانند. (هوی چینگ) - (تاو چینگ) - (هوی تا) پیش از پیش بسوی کا شعر شناختند، اما فاهیان برای زیارت اماکن مقدس و دیدار از تصاویر مذهبی سه ماه دیگر اقامت داشت. درین کشور غیر از معابد کوچک چارده معبد بزرگ نیز هست. از آغاز ماه چارم شهر را جاروب میکنند و آب می زنند. درو دیوار بازارها را آذین می بندند. فراز دروازه های شهر (کانوا) های بزرگ و قشنگ نصب مینمایند و در زیر آن پادشاه با ملکه و سایر زنان خانواده خود جا میگیرند. روحانیون معبد گوماتی وابسته بچرخ بزرگ نجات اند و این طریقت موردعلاقه هدید پادشاه میباشد. ازین جهت روحانیون طریقه مذکور در زمان اجرای مراسم در قطار اول قرار میگیرند. قریباً سه یا چارلی دورتر از شهر عراده ای، دارای چارچرخ ساخته شده که روی آن تصویر نصب میشود. این عراده بیش از سی فتن ارتفاع و شکل سالون منحرفی را دارد که بنام سالون بود خوانده می شود. سراپای آنرا به بیرقهای الوان و احجار قیمتی و طلا و سایه بانهای خامک دوزی زینت بخشیده اند. تصویر بودا در وسط عراده گذارده شده و در التزام او دو بودیس اتوا و به تعقیب شان دو دیوا Deva (نیمه خدای برهمنی) دیده می شوند. اینها همه بطرز قشنگی طلا اندود و نقره کوب گردیده و بطور جالبی آویخته شده اند. وقتیکه تصاویر بصد قدمی شهر می رسد. پادشاه تاج شاهی را از تارک خویش بر میدارد، لباس جدید در بر میکند و با پایهای برهنه باخدمه از شهر بیرون میرود و گلها و خوشبوئی با خود میبرد. زمانی که تصاویر را دید بخاک میافند، گل نثار مینماید و بخوردور میکند. همینکه عراده حامل تصویر داخل شهر شد ملکه و زنان حرم ازان به خوشی استقبال می کنند و به تقدیم نذرهای شان میپردازند. و بدین صورت مراسم پایان مینماید. عراده ها و جزئیات مراسم هر معبد تفاوت دارد و در روزهای مختلف، از روز اول ماه چارم تا چاردهم،

بر گزارمی گردد. شاه و ملکه بعد از ختم مراسم بقصر خود عودت مینمایند. هفت یا هشت لی، در غرب شهر معبدی موسوم به (معبد جدیدشاهی) وجود دارد. کارآبادی آن هشتاد سال یعنی سه سلطنت پیشتر پایان یافت. دوصد و پنجاه فوت ارتفاع دارد. نقره کار و طلا کوب است. هفت گونه از جواهر و احجار کسریه در آن کار شده. در عقب استوپه تالاری بنام (تالار بودا) هست که عقل از زیبایی اش حیران می شود. ستون ها، پایه ها، دروازه ها و پنجره های آن زرانود شده است. علاوه اطاقهائی که به روحانیون اختصاص یافته بقدری زیبا و قشنگ است که به توصیف در نیاید. پادشاهان شش کشور، در شرق سلسله کوه های بلور تاغ Bolor- Tagh آنچه از نقایس در دسترس داشته باشند پیشکش میکنند و فقط معد و دی را برای خود نگاه میدارند.

مراسم ماه چارم پایان یافت. یکی از همراهان بنام (شنگ شاو) بزفاقت يك نفر بودایی تاتار راه کشمیر را در پیش گرفت. فاهیان و سایرین رهسپار کرغالک Kerghalic شدند و بعد از بیست و پنج روز آنجا رسیدند. پادشاه این کشور مردی دیندار است و بیش از یک هزار رهبانانی که این جا هستند همه پیرو چرخ بزرگ نجات میباشد.

زایرین بعد از پانزده روز اقامت چار روز بسوی جنوب مسافرت کردند و پس از عبور از سلسله های بلور تاغ به کشور تاشقرغان رسیدند و این جا به عبادت مشغول گردیدند. چون عبادت تمام شد بیست و پنج روز دیگر سفر کردند و به کا شغر رسیدند. درین جا با زهوی چینگ و دسته همراه او را ملاقات نمودند. پادشاه این کشور (پنج جرگه کبیر) Pancha Parishad را دایر کرده و در مراسم آن شمن های تمام ایالت را طلب نموده بود. شمن ها بکر دارا بر تجمع می کنند. جایی که شمن ها با یستی جاگزین شوند قبلا تزئین میگردند: بیرقها، سایه بانهای ابریشمی، ابریشم کاریها، خامک دوزی و گل های آفتاب پرست از طلا و نقره که در عقب چوکیها نصب است. سپس شاه با وزیران خود می آید. همین که یکجا

شدند آن گاه جلسه دایر می شود و يك یا دو یا سه ماه ادامه می کند. پس از انجام مراسم پادشاه اسب خود را میگیرد، خود آن را اوراق می بندد و به یکی از مامورین مهم امر میدهد که بر این اسب سوار شود. بعداً مقداری نمد سفید و اقسام جواهرهایی را که شهنشاه را بکار آید، بهمراهی مامورین خود رفته، به روحانیون پیشکش میکند اما بعد از مراسم آنها را به پول معاوضه مینماید.

این کشور سرد سیر و کوهستانی است. جز گندم هیچ غله ای در آن پخته نمی شود. روحانیون صرف چند روز قبل از موسم یخبندان عشر سالیانه اراضی را که برای شان تعیین شده در بافت می کنند. بنابراین پادشاه همواره امر اکید صادر می کند که قبل از روز دریافت عشر، ترتیباتی بگیرند که غله پخته و آماده شود.

درین کشور خاطر دانی هست که گویا از بودا باقیمانده. از سنگ ساخته شده و همان رنگی را دارد که کچکول او داشته است. يك دندان بودا هم این جا هست که برای آن استوپه ای بنا کرده اند. يك هزار روحانی درین کشور هست که همه متعلق به چرخ کواچک نجات میباشد. مردم جانب شرقی کوهها مانند مردم چین لباس درشت در بر می کنند. عبادت شمن ها با هم تفاوت دارد. این کشور در بین سلاسل بلور تاغ واقع است و ازین محل به بعد همه چیز با چین تفاوت دارد از قبیل درختان، میوه ها و غیره به استثنای بامبو (خیزران)، انار و نیشکر.

ازین جابسو ی غرب بجانب شمال هندوستان، زایرین برای عبور از کوهپایه های بلور تاغ یک ماه زحمت سفر را قبول کردند. این کوهها در تابستان و زمستان يك سان برف دارد. واژدهای مهلك دارد، که اگر تعریک شوند بادزهر گین، باران، برف و ریگ می افشانند. اگر ده هزار نفر با چنین تهلکه ای مواجه شوند يك تن هم جان سلامت نمی برد. مردم این جا را اهالی (کوه برف) مینامند. دنباله دارد.